

بغداد قندهار نیست!!

از روزنامه «المستقبل» لبنانی و منابع فرانسوی

عراق

نویسندگان، ژورنالیستان و مردان سیاسی عراق بر ضد تعزیرات جدید حکومت در برابر افراطی ساختن جامعه آن کشور بسیج شده اند. این اعتراضات روشنفکران بر علیه تخطی و تجاوز رژیم بر آزادی های شخصی، در رسانه های صوتی و چاپی عراق و جهان عرب و در چینل های تلویزیون هائیکه از ورای ستلایت ها منتشر میگردد، منعکس شده است.

هفته قبل مردم عراق خاصاً سنی مذهب این کشور تظاهرات بزرگی را در شهر بغداد پایتخت این کشور به راه انداختند، و شعارهای «بغداد قندهار نیست» و «نی به طالبانیزم» را بر ضد نظام حاکم شعار میدادند. نظامیکه در همین تازگی ها امر انسداد همه کلوپ ها، کافی ها و رستوران های را صادر کرده است که به مردم مشروبات الکھولی سرویس میکردند.



یکی از مساجد بغداد

در طول مدت تظاهرات نطقان زیادی با هیجان سخن رانی کردند و دولت عراق را خاصاً گروه های علاقه مند به ایران را به نسبت تمایل به طرف «خمینیزم» و «طالبانیزم» محکوم نمودند.

این تظاهرات که از طرف تعدادی از نویسندگان، هنرمندان، روشنفکران، وکلای ولسی جرگه عراق و همه آنانیکه از وضع کنونی و تعرض در حق پرنسپ های دیموکراسی تشویش دارند به راه افتاده بود. این تظاهرات در یکی از نواحی سمبولیک شهر بغداد بنام خیابان «متنابی» صورت گرفت، محلیکه تعداد زیاد کتابخانه ها و قهوه خانه های ادبا و نویسندگان را در بر دارد.

در میان مظاهره چیان شخصیت های علمی و مشهور جامعه عراق دیده می شدند مثل «اسماعیل ظهیر» نویسنده نامدار عراق، و رئیس اتحادیه نویسندگان، «طارق حرب» حقوق دان و مدیر مسؤول روزنامه مشهور الصباح و ژورنالیست های جریده معروف المعاهده و «فضل تحمر» منتقد نامدار که این شخصیت ها از مبتکرین برگزاری این تظاهرات عظیم بودند. مظاهره چیان به یک صدا تلاش های قوت های باصطلاح مسلمان را که کوشش دارند اسلام متحجر افغانی* و افراطیت را در عراق ترویج نمایند، افشا و محکوم میکردند.

از آوان متلاشی شدن نظام صدام حسین که بر حزب واحد و مطلقیت استوار بود، این نخستین بار است که چنین سرکوبی ها آغاز شده است. چنانچه اخیراً دفتر انجمن نویسندگان عراق مورد حمله پولیس قرار گرفت و سرکتر جنرال آن «شاعر عراقی الفرید سمان» را مجبور ساختند که مسدود شدن انجمن را تحریری اطمینان داده و در پایان اطلاعیه پولیس امضاء کند.

در حال حاضر این مبارزات تنها از طرف روشنفکران جامعه آغاز شده است و کتله های مردم با وجود محرومیت های از هر نوع امکانات تفریحی و ضرورت های اولیه، قربانی های شان از حملات دهشت افگنی، بخاطر دسپلین و خشونت پولیس و قوای امنیتی بسیج نشده اند.

در این اواخر نظام حاکم بر عراق یک سلسله اقدامات سرکوبگرانه را در جامعه آغاز کرده که شباهت زیاد به امور مذهبی در ایران را دارد. چاپخانه ها (کافی ها)، رستوران ها، کلب ها، تفریگاه هایی که مردان و زنان با هم از آنها استفاده میکردند یکی بعد دیگر مسدود می شوند. دروازه های مکاتبی که دختران و پسران یکجا تحصیل می کردند بسته می شوند. محدودیت ها در نوع پوشیدن لباس زنان وضع گردیده است. با بروز این همه اقدامات اسلام افراطی، آزادی، دیگر برای روشنفکران خیال و آرزویی بیش نیست. و نظام حاکم کشش بطرف مودل اسلام ایران را پنهان نمی کند.

روزنامه «المعاهده» به مدیریت «علی حسین» مدت ها قبل از تظاهرات، تعیین تاریخ آنرا بصورت مسلسل به اطلاع عامه میرساند و این روزنامه با گرداندگانش در راس تنظیم این تظاهرات بوده اند. علی حسین مدیر این جریده دولت

دیانو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته راوبولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بنې پاڅوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

را اخطار داده است که در صورت اصرار دولت بر طالب سازی عراق، پرده از همه رسوایی های نظام «فساد اداری و دستبرد ها بر دارایی های عامه» خواهد برداشت. همین روزنامه مقالات و مضامین انتقادی نویسندگان ملی گراه، روشنفکران، وکلای پارلمان و سیاسیون طرفدار آزادی و دیموکراسی را که از تصمیم نظام بر تأمین افراطیت در جامعه به تشویش اند، به نشر سپرده است. اکثر این نویسندگان اعمال مستبدانه و مغایر قانون اساسی عراق را که از طرف نظام حاکم در جامعه پیاده می شود شدیداً محکوم کرده اند.

«کامل الزیدی» عضو حزب اسلامی عراق که در رأس اداره بغداد قرار دارد از یک قانونی استمداد جسته که به سال های ۱۹۹۰ از طرف «صدام حسین» توشیح شده بود، و به کمک این قانون برای استحکام موقف لرزان خود به اسلامی ساختن جامعه عراق شروع کرده بود و به اساس همین قانون همه کلوب ها، بارها و کاباره [Cabaret] شب نشینی را در بغداد مجبور به مسدود کردن نموده بود. آقای کامل الزیدی ادعا دارد که این اقدامات و تصمیم وی کاملاً اسلامی بوده و با اساسات یک کشور اسلامی مطابقت دارد و از جانب اکثریت عظیم مردم حمایت می شود.

این ادعا ها همیشه از جانب حکمای کشورهای اسلام افراطی مثل افغانستان و ایران به ملت های شان ارائه می شود. همه این تصمیم حاکم بغداد عین تصمیمی است که چند ماه قبل از طرف نظام در شهر بصره پیاده شده است که حتی سبب مسدود شدن سرکس مانتی کرلو [Cirque de Monte Carlo] گردیده بود، سرکسیکه از پاریس بآن شهر آمده بود. یا مثل فروپاشی و نابودی هنرمندان و سرایندگان فستیوال آهنگ و موسیقی در شهر بابل که به اثر تصمیم حکومت به کشتار هنرمندان انجامیده بود.

از جانب دیگر اسلامیزه شدن کشور سبب انکشاف سیاحت و توریسم مذهبی شده است و آمدن هزاران زوار تشیع که برای زیارت کربلا به این کشور سرازیر می شوند باعث ورود مبالغ هنگفت و کوه آسای اسعار گردیده است که از یک سو تجارت هتل داری و ترانسپورت و مؤسسات توریستیک را رونق داده است و از طرف دیگر به عواید اسعاری دولت افزوده است.

چیزیکه بیش ترین تشویش مردم این کشور را فراهم کرده است، تخطی نظام از متون قانون اساسی مملکت شان است که با اساس مواد آن حکومت نمیتواند و صلاحیت اینرا ندارد که چنین قوانین سرگوبگرانه و تعزیرات آزادی های فردی و اجتماعی را بدون مشورت با نمایندگان ملت، یعنی پارلمان (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) بگیرد. پایان ترجمه

تبصره و تذکر از این قلم :

۱- آیا اضلاع متحده آمریکا را مسؤول این همه فروپاشی و ویرانی عراق میتوان محسوب نمود؟ چه این کشور قبل از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳م یک کشور آباد، شگوفان، دارای مؤسسات پیشرفته سیاسی، فرهنگی، تحصیلی، صنعتی و اقتصادی بود. پوهنتون ها و پوهنخی های مختلف آن بهترین متخصصین و کارمندان ماهر تقدیم جامعه داخل و خارج میکرد. از ده سال بدینطرف عده بیشماری از طیبیان مجرب و لایق عراق در شفاخانه های کشور های غربی و امریکا مصروف خدمت اند و وطن شان عراق از خدمات آنها از خیرات سر امریکا محروم شده است. چون همه تأسیسات عمرانی، سیاسی، فرهنگی، تحصیلی، صنعتی و اجتماعی آن کشور به اثر حمله نا بخردانه آمریکا فروپاشیده است.

۲- آیا این نظام نوکری که امریکا بر عراق تحمیل کرده است یک نظام دیموکرات است؟ و اینکه اقوام این کشور را بنام مذهب و سیاست بجان یکدیگر انداخته است، دیموکراسی است؟ به نظر من با تأسف این دیموکراسی [Démocratie] نیست بلکه دیموکریزی [Démocrazy] است. در افغانستان عین بدبختی جریان دارد و اقوام را بجان همدیگر انداخته اند که نمیدانم از این چه میخواهند؟

۳- گرچه راه مفاهمه و مذاکره یکی از طرق احتمالی رسیدن به صلح در کشور ما وانمود میگردد، اما وظیفه روشنفکران و روشن بینان در جامعه ما این است که آزادی های حد اقل برای زنان و آزادی مطبوعات و بیان که طی چند سال اخیر نسبتاً میسر گردیده است نباید در مذاکرات سیاسی میان دولت و طالبان مورد معامله قرار بگیرد. افزایش بی توجهی و بی اعتنایی به حقوق زن و افزایش خشونت علیه زنان در افغانستان، خود نمونه ای از عروج تمایل طالبانیزم در کشور است، افراطی کردن رسوم، عادات و مناسک مذهبی خود بوی بازگشت طالب و طالبانیزم را به مشام میرساند که ما صلح را نباید به بهای چشم پوشی از آزادی بدست بیاوریم. این حقیقت نیز وضاحت دارد که طالبانیزم در عمل و هدف خویش شیعه و سنی ندارد، میان طالب شیعه و طالب سنی در نهایت هیچ تفاوتی را نمیتوان دید زیرا نتیجه تحقق دساتیر هر دو همان جامعه استبداد زده است.

* اصطلاح «اسلام متحجر افغانی» از روزنامه کوریئه انترنسیونال چاپ پاریس است.